

يك لشكر شب هنگام از ولگا گذشت و اوضاع كوي كارگران را هودي بنهيد

برابر حال بيروي شوروي استفاكي نايه

لشكر - ديروز آلماني ها بيشتر هم در كوي سنتي استالينگراد بيشتر نكردند و بيروي هاي شوروي آلماني ها را از چين سستان بيرون رانده و مواضع خود را بهودي ختميه نمودند كرده اند

مكو - غراواظا خبر كرازي انگليس فرانكليك چين كراوش مي دهد

حاله شديد آلماني ها بر كوي سنتي استالينگراد كه روز سه شنبه آغاز كرده چهل و پنجمين ساعه دشمن در مده اكبر بود لکن براي ختمين بار آلماني ها موفق شدند حتى كويك

نئين موطني تال شونده به طوريك با وجود چنه بي هراو تلفات درجهين قطعه محور خط شش كرده اند

دشمن با لشكر تازه من و اردويمان سر كرده بوده بيه شده نير هاي شوروي در بالاست رود ولگا شب

بيش اوضاع مناسب استالينگراد را بهودي ختميه ديروز افزايش يافت و راه خود رويه ساخته است

محور در سراسر جبهه مصر عقب نشيني ميكند و تا كتون ۹۰۰۰ اسير و متجاوز از ۳۶۰۰۰ تانك و ۳۰۰ هوايما از دست داده است

مرک ژنرال فن ستوم آلماني

فارهه - خبر كرازي انگليس اطلاع ميدهد اعلايه مشترکاتون شوروي كه انتشار یافته چين انتشار ميدهد در روز سه شنبه روز سلات لا بتلغ جبهه رستي و هوايي ما بر سر هي شعور در صحرای باشتر بگي متونك قط شيني شده اند متون هاي دشمن كه مستهتابي به خطي عقب نشيني ما بايه شد و روز لا بيلغ مورد حمله بيروي هاي زميني ما و بيروي هاي هوايي متونك قرار گرفته اند - ژنرال فن ستوم كه در خبر اول معلوم روزمان نسبت و مل كه بالانگه بود همواره در مقامه اوش محور بود گفته شده است - تا كتون متجاوز از هزاران اسير بدست ما افتاده است و ژنرال و بترن ناس فرمانده سپاه افريقي آلمان و جنس ديگر از اسيران ارشه آلمان و ايتاليا جز اسيران ميشانند - با دانسته كه تلفات دشمن از جيت گفته و زميني عوق العاده دشمن ميشانند - تا كتون ما متجاوز از نويست و شست تانك آلماني و ايتاليائي و انهمه سامانه توپخانه دوست و همدان توپ آهيا را از تصرف باخراب كرده اند در بيان كيو دار هفتاد شاره و نويست مبرع غامبي كه هجستمان افتاده است ميسرسيه - در عرض اين عمليات بيروي هوايي ما كه تعدادش منحصر است متجاوز از سه هزار اسير و نويست تانك هاي هوايي منهد ساخته و نويست مبرع مقدار از هوايماهاى دشمن را هم در كوي زمين منهد كرده و از كار اخلاص است - در دويان بيرويهايي در هوايي ما معادل طرقت پخته كرده و نويست كشتي هاي دشمن را غرق كرده و نويست مبرع مقدار از كشتي هاي منهد بيروي محور كه هازم افزايش شالي نيويست آسيه و در آرزو افرايش شالي نيويست متونك شيرت ميشانند

كارخانه هاي ميجان نورويسك در دست شوروي است شكست فاحش فاشيتها در شمال تويابه

لندن - اگر چه پيش از يك ماه و نيم است كه نورويسك تصرف شده و در آن آمده است ولگان آلماني ها هنوز بر آن استلاهي كامل نداشته اند

مكو - در شمال شوروي تويابه در موهه شوروي نورويسك و انتر است هنوز در دست بيرويهاي شوروي ميشانند و شوروي آلمان كارخانه ها را نيز بيرويهاي شوروي ميباشند

مكو - در جنوب شوروي تالچيك از سامان نظام روميهاي شوروي گرفت و در اين منطقه دست هاي شوروي از بيروي هاي آلمان و رومي يافته و رفتي تانك وارد ميان كاروان شده -

مكو - در شمال شوروي تويابه بيروي شوروي ملي بيشترت خود چنه قطعه و چنين نيز در دست آورده و اكرون مشمول حكيم اراضى اشغال شده است

مكو - در شمال شوروي تويابه در زمانه بيروي شوروي شش تريفش

انتخابات امريكا بگجا رسيد؟

يونيورلك - خبر كرازي انگليس اطلاع ميدهد بخوري كه پس از سه شب خبر رسيد نتيجه انتخابات امريكا بيشتر مساعد حال حزب جمهوريخواه ميشانند - هر چه در روزين جمهوريخواه بيشتر امريكا كه خود از طرف حزب جمهوريخواه داشت ضمن خبر انتخابات چين اظهار داشت - در روزين متوازن انتخابات شوروي خواهد بود - زيرا اساس انتخابات شوروي ها جمهوري خواهان و چين كرات و چين كرات اراده جنگ بطور موز و چيني ميشانند پس از جنگ سال اين جشن فراست

هس سفير كير آلمان در لندن!

لندن - خبر كرازي انگليس ميدهد (سپريتيك لاند) لسره بروتك لاكسماو با خبر كرازي روزنامه ديلي ميل صامه كراوش و من اين چين انتشار داشت: (لانگفون) جوان سفير كير روسي تونك ناري وارد انگلستان شوه و انتشار داشت در پايان مذاكرات شوروي با راجال انگليس خزين جوي داده شود تا نواند در عرض چند و چند ساعت با نين بلز كراوش وي ميخواست از دولت انگليس درخواست كند تا مستشار سابق آلمان آلمان ستر كراوش انگليس از جوي هاي ستر كراوش و هوايي خوش كراوش اصول آلماني در اروپا تحت رياست

زندگي عمومي اين ديگر چه گناهي كرده

كه پاره پاره اش ميشانند!

رويكه كوين هاي فته و فكر و قاش را چاپ و تولع ميكرند همچون كس گمان نيكرد آخر و مقاومت به بدت سيزا آفند ترايك بايك

كوبن هم مثل همه چاره ديگر اين كشور حكمتيك تراه در آمده بود مسئول براي خود قرب و آبروي داشت همه با سلام و صلوات او را ميميداشته تا وقتيكه كوبن بيكار بود هر ماه نيمدين ميشد و با آب و نيل نام تولع ميشكت - اما رفته رفته گشته است كوين جاي برك استمكن است و از آن سوره استلاشه بشود و آمده است كوچكش كرده اند - جبور و اجورش نودند - مثل نصف چهل يك بگيرش فته بود - بگيرش چاي ، يك ووش قاشش بود بگيرش سيكار ۱۱ از هين وقت روز گيار به بدتي كوين شروع شده كوين كه ظاهرا شش ماهه بود - امبالمطاولي و آغزي منتشر شده - آخر دولت ميجواست از قلب و شوه كيري جلو كيري سايد - اين مقيود تارده كوين هم بگيرش براي چنه ساعت روز و ربح و زحمت تحمل سايد - مگر همه مردم ربح ميشانند - از همانوقت روز كراوش بد بدتي كوين شروع شده هر روز بگيرش از بين آن بدتي سيزا و ميرهيه بگيرش باسوقند - بگيرش باسوق چالي ، يك ووش اسم قش و فته بود - درست مثل شتر قرباني كه روز فته نظر او را نگاه و يازده ميكرند - بدن اين كوين بيچاره هم ياره ياره شده چاره چيست ميجواست از غلبه و شوه كيري مامات سايد - بالاخره نام گسترهي معنات آن برنده شوم جوي اسير جوي باقي ساند - با دلواست مسي كشيديم و كوين را وسعيتم و نوي صنوق كراوشه كمين الصمده كه از شران راحت شوم - صنادالان او خوش كرده و دم كه اگر كوين جديد سا سيمده افلامد كوين فتم هنوز در دستان باقي مامات است غفلت از اينكه هنوز در گذشت قطعه قطعه شدن كوين نام شده است - اول ماه جاري بگيرش نشورند - فاده كه ابا - النومين - حرف اول استالين را زوروي كوين بريده و باوريد فته بگيرش اعدا اين ديگر چه صمده است نوارات شوروي را اين چه جديت ترين سيستم انقلابي را از كراوش كشف كرده است!

پير چم

اوه ۱ آتشارها و متعبر كرده شرايط استالينا نفس نودند

دراين موقع خورنده و نوسنظ ابري مخفي كشت و افشه سرخ ربح آن كه جزيره و اخير شوم روي كرده بود - اول كراوشه - همه بر بركلمات معزوم كراوشه اولاد همه پير چم كه مامانستان روز بر فراز كليبا دواختراورده و برو سرى وصاقت مهاجين ليده سيزه من اورشاش تصور كرده كه دم شده است

پير چم برك علمي درم غمگين ميگري ، ريك آتوبين و افلاخ سر را حفظ كرده بود و در داخل نظر خاكستري و مريگيار جزيره اين ربح هنوز در دستان و زنده بود - من اورشاش تراه از خواب بيد شده و ميهيد كه چشمهايش اشبه اند - پير چم هر كراوشه سوره است ريك ديگرى جز اين اشتر سايد من اورشاش فراموش كرده بود - ملتي ميجوگ

اين فراموشي تيمبه غمگي باسود و خورنده او را فرسوده اند - ليكه خيلات بوج و فرور الهيا - اين اشتباه كشته بودند - صادر كرده

دسته اسيريه از سب انگسها طوارت عمومي و شكاري ها پير كراوشه از رايكها و پير چم كراوشه كراوشه ها از هر سو خطر جبهه رهسيار شدند - سرتان را جبهه با هور از صخره هاي پيش از آن خط زاجير هاي توالني ميشانند - چترانان آلماني ماشه شيرت نام كاهه هاي ماميكراوان ميامند - افشار شديده سپاهيول سپهكين نويجه كشتي ما كراوشه را كراوشه

در دويان اين شوروي مركزاوس نسي ملوان دلاور شوروي از دوي هاي طفه ليرين كليبا ، با ميسر نام در انتظار فرصت بودند - اما با ناخواسته و از برك پير چم كراوشه صوف سرتان دشمن پير چم ترا كراوشه و سيمان كليبا ديگر شده - بالاخره انتشار پايان پايان شده مساعد فراسيد - سلسلهيا انگهاي خود كراوشه مدافلين دستا چهارصان - از طرف غرب و فته جنوب مرس آمده و مقدم مهاجم در اين دويهاي آتئين بريك كشته و در اين صحت مورش و لفظه پسن هيجك از ملوانان شوروي مكرجات خوش بودند - هك پيش چان ميامند اميها مين كراوشه آنها ميامندسته كه ميجور وان هم بودند كه قبل از مرگ دشمن را و اونه از با دورودند - اين آخر مرقطه آنها بود و معلوم شوروي آخر اين پير چم طوري انجام دادند - بايرونه

مردم

مردم

شماره ۲۰۶

از نوسنه شوروي و كتاب ترجمه از ادبيات چالاش

پير چم

پير چم برك علمي درم غمگين ميگري ، ريك آتوبين و افلاخ سر را حفظ كرده بود و در داخل نظر خاكستري و مريگيار جزيره اين ربح هنوز در دستان و زنده بود - من اورشاش تراه از خواب بيد شده و ميهيد كه چشمهايش اشبه اند - پير چم هر كراوشه سوره است ريك ديگرى جز اين اشتر سايد من اورشاش فراموش كرده بود - ملتي ميجوگ

اين فراموشي تيمبه غمگي باسود و خورنده او را فرسوده اند - ليكه خيلات بوج و فرور الهيا - اين اشتباه كشته بودند - صادر كرده

دسته اسيريه از سب انگسها طوارت عمومي و شكاري ها پير كراوشه از رايكها و پير چم كراوشه كراوشه ها از هر سو خطر جبهه رهسيار شدند - سرتان را جبهه با هور از صخره هاي پيش از آن خط زاجير هاي توالني ميشانند - چترانان آلماني ماشه شيرت نام كاهه هاي ماميكراوان ميامند - افشار شديده سپاهيول سپهكين نويجه كشتي ما كراوشه را كراوشه

در دويان اين شوروي مركزاوس نسي ملوان دلاور شوروي از دوي هاي طفه ليرين كليبا ، با ميسر نام در انتظار فرصت بودند - اما با ناخواسته و از برك پير چم كراوشه صوف سرتان دشمن پير چم ترا كراوشه و سيمان كليبا ديگر شده - بالاخره انتشار پايان پايان شده مساعد فراسيد - سلسلهيا انگهاي خود كراوشه مدافلين دستا چهارصان - از طرف غرب و فته جنوب مرس آمده و مقدم مهاجم در اين دويهاي آتئين بريك كشته و در اين صحت مورش و لفظه پسن هيجك از ملوانان شوروي مكرجات خوش بودند - هك پيش چان ميامند اميها مين كراوشه آنها ميامندسته كه ميجور وان هم بودند كه قبل از مرگ دشمن را و اونه از با دورودند - اين آخر مرقطه آنها بود و معلوم شوروي آخر اين پير چم طوري انجام دادند - بايرونه

مردم

مردم

اگر مظلوم کنی و ظلم بر روی
جو صفت منی باشد هرگز سی تو آن
برقرار نشی اسام عداوت دوستان
امت ملت مطیع شد، در آن روز بد
صفت دوام دارد حکومت دیکتاتوری
سابق راه، ممانعت نمودن آن شایست
و اساس لفظ تو است. ۲- سال دوام کند
سال آنگاه که برش کج روی و دوستان
مین صفت است که هر کسی در هر مقامی
که هست خدا گرسنه است از او بزم
خود می کند و نیز از او زمین معشوم
است که تو به مظلوم مایی. - خود
شخص مظلوم را به مثل حیوان فهم
که مظلومیت را بداند و از او استفاده
نقدت کالی در اصلاح خود دارد بد
که گوشت تا از این صفت که مظلوم
کرد و خویش را برای میدان مبارزه
اجتماع و برای ایجاد تیران صفت
اجتماع آمده است.

چند تن دیگر از مأموران
چند تن دیگر که در این مانی
مأموران شهرهای پیرانیم داشتن
حالات این اشخاص و بی برادران
و هم برای زندگی اجناس موی است
و این است خوانندگان را روزی یک
آه.

این اشخاص که در این مانی
می بینم و شرم از عداوت و صفت
آنها می گویم که مظلوم کنی و بی
اعتبت هستند که شاید تا کنون
در این یادداشتها پیروید تصور شود
والم ما یزیدان آنها قاتلین است.

اگر مظلوم کنی و ظلم بر روی
جو صفت منی باشد هرگز سی تو آن
برقرار نشی اسام عداوت دوستان
امت ملت مطیع شد، در آن روز بد
صفت دوام دارد حکومت دیکتاتوری
سابق راه، ممانعت نمودن آن شایست
و اساس لفظ تو است. ۲- سال دوام کند
سال آنگاه که برش کج روی و دوستان
مین صفت است که هر کسی در هر مقامی
که هست خدا گرسنه است از او بزم
خود می کند و نیز از او زمین معشوم
است که تو به مظلوم مایی. - خود
شخص مظلوم را به مثل حیوان فهم
که مظلومیت را بداند و از او استفاده
نقدت کالی در اصلاح خود دارد بد
که گوشت تا از این صفت که مظلوم
کرد و خویش را برای میدان مبارزه
اجتماع و برای ایجاد تیران صفت
اجتماع آمده است.

پرچم

بازجهای مختلف سرخ رنگی که مایل
به خونی بود و در این مانی
گرچه بود. - دستهای آفرینی که
با مثل و علامت زینت مطبوعات
سر به های فرخ. - حالت های بی
خونی. - گیس های توپون سنگی
و در پیوسته ای که در این مانی
آرا شکل میداشت. - جلد سرخ رنگ
کتاب اول تریخ جنگهای مانی
نوشته و روزی از طرف و اسامان
که چون همه از این مانی
چون این کوی چهره مانی
نوشته این مانی در مانی
میکرد.

نویسنده ای با بعد از اینها باستی اعتراض
کم که در روزم گذشت همین اشخاص
با فال نفوت بمانان کردن و بیچاره
کردن معاصر را و با بعد از اینها
از وقت خود استفاده کرده برای حفظ
منافع خود بسیاری را از اسامان محروم
و در زمان تحمل عداوت معکوم نموده
بودند.

نویسنده ای با بعد از اینها باستی اعتراض
کم که در روزم گذشت همین اشخاص
با فال نفوت بمانان کردن و بیچاره
کردن معاصر را و با بعد از اینها
از وقت خود استفاده کرده برای حفظ
منافع خود بسیاری را از اسامان محروم
و در زمان تحمل عداوت معکوم نموده
بودند.

نویسنده ای با بعد از اینها باستی اعتراض
کم که در روزم گذشت همین اشخاص
با فال نفوت بمانان کردن و بیچاره
کردن معاصر را و با بعد از اینها
از وقت خود استفاده کرده برای حفظ
منافع خود بسیاری را از اسامان محروم
و در زمان تحمل عداوت معکوم نموده
بودند.

نویسنده ای با بعد از اینها باستی اعتراض
کم که در روزم گذشت همین اشخاص
با فال نفوت بمانان کردن و بیچاره
کردن معاصر را و با بعد از اینها
از وقت خود استفاده کرده برای حفظ
منافع خود بسیاری را از اسامان محروم
و در زمان تحمل عداوت معکوم نموده
بودند.

نویسنده ای با بعد از اینها باستی اعتراض
کم که در روزم گذشت همین اشخاص
با فال نفوت بمانان کردن و بیچاره
کردن معاصر را و با بعد از اینها
از وقت خود استفاده کرده برای حفظ
منافع خود بسیاری را از اسامان محروم
و در زمان تحمل عداوت معکوم نموده
بودند.

بیانات آقای کمیسرف

در تاریخ اول نوامبر ۱۹۴۲ (آبانماه ۱۳۲۱)

در دهان خصما دینتر تمام
کشورهای کمالور مرخه نمودند
و علامه است که اقدامات و تاراجی
که باید انجام دهد مورد شور و وقت
افراد کمالور قرار میگردد.

مزرعه کمالور پیش بنگه سوسالین در
کشورهای کمالور با کمک بود راسون
تنگلی پاته است و در قطع در
تزی وضع اقصای و می دهان موثر
و مفید است بلکه موحات پیوسته حال
رها و آسایش و سلامت آنها را نیز
فراموش نموده است. در نتیجه اکنون
در زندگی هر خانواده عداوت است
تیرت و سرت کالی مگر فراموش است
با تاسیس پول خوری و شرفور
که مایه گران کمالور مایلر سگینی
از و ش زان دعای برداشته اند
و اینها برای آن جهت کمالور است
و آسوده میباشند.

در نتیجه تاسیس باشگاه و سینما
ها در کمالور با عداوت شوروی می
نوانند و فرصت دارند وقت خود را
تخریب و سرگرمی های نامرغوبه بگذرانند
و اعتراض نمایند.

نویسنده ای با بعد از اینها باستی اعتراض
کم که در روزم گذشت همین اشخاص
با فال نفوت بمانان کردن و بیچاره
کردن معاصر را و با بعد از اینها
از وقت خود استفاده کرده برای حفظ
منافع خود بسیاری را از اسامان محروم
و در زمان تحمل عداوت معکوم نموده
بودند.

نویسنده ای با بعد از اینها باستی اعتراض
کم که در روزم گذشت همین اشخاص
با فال نفوت بمانان کردن و بیچاره
کردن معاصر را و با بعد از اینها
از وقت خود استفاده کرده برای حفظ
منافع خود بسیاری را از اسامان محروم
و در زمان تحمل عداوت معکوم نموده
بودند.

نویسنده ای با بعد از اینها باستی اعتراض
کم که در روزم گذشت همین اشخاص
با فال نفوت بمانان کردن و بیچاره
کردن معاصر را و با بعد از اینها
از وقت خود استفاده کرده برای حفظ
منافع خود بسیاری را از اسامان محروم
و در زمان تحمل عداوت معکوم نموده
بودند.

در ماه ژوئن ...

در دوخت سبب خود که آفتاب
روشن بمانند یلان تیس چاشترا
شیرمیداد لاش که سرخسین جوان
احداث از زبانی رحمت و فوت ان
معانی آن در دهش جمع شد.

تیس گهاست؟
- در استیل.
از صدای حرف تیس ظاهر شد
دشمن چوب دوشانه ای بود که با آن
نخت بین برای گوش دوست میکرد.
لاش پس پیاله ووش کلا که
هنوز مستود و برتصوری با بسته
بود باشتوش برید. - برادران
او کور کما قما شد؟
- مارتن انجاست (از شفت
اضطرار پادشاه لیکتانتا) شماسکن
است حشور کیکه.

کسان کمیکه که اشتیاق به
سجنر بیانه شاکه آتیاست خراب
خیه است که این حرمانه ای است
شزل قائم شده باشد از روزگش از
ابهت است.

آنگان زن تیس فریاد زد:
آتش... آتش... چه ش شروع
شکر کرد.

از آن طرف رودخانه پشت پشته
پشتون بودیها لمدمشه و جرجز
آتش کوش میرسد خانه ملون بود
که میبوشد.

تیس گفت: - باید هر چیزی را
که میسک است از آتش ببرد او
طرف رودخانه بود.

پس میبکند می دو اورش و از
آورد دروغ ناسک تیس گرفت و فریاد
کشید: - دست سگها را بگردان
کولر شکست مزمن.

تیس هیچکجا با حرکت ناکامی
استاد سرش میبازد خورد و شکست
زش مثل پلوزر معید شد.

آتش زان مرده و از آن کرد
از کتا و راهش را دستگیر شد
رفته. تیس از دستگیر شد
سگ نگه کرد و مگر فرود آمد
شام پنج مزی در دهش پیچید.
آثار وانه به مگر داشت؟

نویسنده ای با بعد از اینها باستی اعتراض
کم که در روزم گذشت همین اشخاص
با فال نفوت بمانان کردن و بیچاره
کردن معاصر را و با بعد از اینها
از وقت خود استفاده کرده برای حفظ
منافع خود بسیاری را از اسامان محروم
و در زمان تحمل عداوت معکوم نموده
بودند.

نویسنده ای با بعد از اینها باستی اعتراض
کم که در روزم گذشت همین اشخاص
با فال نفوت بمانان کردن و بیچاره
کردن معاصر را و با بعد از اینها
از وقت خود استفاده کرده برای حفظ
منافع خود بسیاری را از اسامان محروم
و در زمان تحمل عداوت معکوم نموده
بودند.

نویسنده ای با بعد از اینها باستی اعتراض
کم که در روزم گذشت همین اشخاص
با فال نفوت بمانان کردن و بیچاره
کردن معاصر را و با بعد از اینها
از وقت خود استفاده کرده برای حفظ
منافع خود بسیاری را از اسامان محروم
و در زمان تحمل عداوت معکوم نموده
بودند.

